

بسمه تعالی

## تأثیر شرکتهای چندملیتی در توسعه یا عدم توسعه تکنولوژی کشورها

مهدی صفاری نیا

دفتر همکاریهای فن آوری ریاست جمهوری

صندوق پستی ۴۶۷۱ - ۱۴۱۵۵

تلفن: ۶۵۰۰۰۶۵

نمابر: ۶۵۰۰۰۶۰

پست الکترونیکی: [Safarinia@tco.ac.ir](mailto:Safarinia@tco.ac.ir)

### چکیده

امروزه تولید و فروش بسیاری از محصولات مهم و دارای تکنولوژی متوسط و بالا در دست شرکتهای بزرگ چند ملیتی است که آنها نیز با ابزارهای مختلف، در صدد حذف رقبای خود می‌باشند. این شرکتهای با ایجاد نمایندگی‌های مختلف در کشورهای عمده تا توسعه نیافته و برقرار کردن شبکه داخلی و به کارگیری تاکتیکها و ترفندهای گوناگون حداکثر تلاش خود را جهت بدست آوردن بازارهای بهتر به ازای سرمایه‌گذاری کمتر بکار می‌بندند. دولتها نیز برای تامین نیازهای خود، ممکن است اجازه دهند این شرکتهای با ایجاد نمایندگی و عامل فروش نسبت به فروش محصولات خود اقدام نمایند اما بهتر آن است که اگر قرار باشد دولتی بازار مصرف خود را در اختیار شرکتی قرار دهد، سهم خود را در تولید آن محصولات طلب نماید، تا بازارهای آن کشور به رایگان در خدمت شرکتهای بزرگ و چندملیتی قرار نگیرد، بلکه از سرمایه آن شرکتهای، به نفع اشتغال و افزایش توان علمی و تکنولوژیکی کشور میزبان استفاده شود. بدین معنی که شرکتهای خارجی با ایجاد شعبه در کشور میزبان، بخشی از فعالیتهای اصلی خود را در آنجا انجام دهند. امروزه در بسیاری از کشورهای عمده تا پیشرفته، این اقدام صورت گرفته است. این مقاله در صدد آنست با بیان آراء و نظرات مختلف در زمینه روند جریان سرمایه و فناوری در جهان و رقابت پذیری و نحوه عمل شرکتهای چند ملیتی در کشورهای مختلف، به بررسی آثار مثبت و منفی عملکرد این شرکتهای پردازد و در نهایت با تاکید بر اهمیت ارتباط و همکاری در جهان امروز، راههای مناسب کار با این شرکتهای که در کشورهای دیگر تجربه شده است را به عنوان الگومعرفی نماید.

## الف - مقدمه

نگاهی گذرا به روند جریان سرمایه در جهان و رقابت‌پذیری شرکتها نشان می‌دهد با کاهش قابل توجه موانع تجاری و سرمایه‌گذاری در سطح جهان، شرکتها در معرض رقابت فشرده بین‌المللی و محلی قرار گرفته‌اند. این موضوع موجب گردیده که شرکتها در شرایط دشواری قرار گرفته و حتی شرکتهایی که در کشور مادر به خوبی سازمان داده شده‌اند و در پشت دیوارهای تعرفه نیز جای گرفته‌اند با دشواری روبرو شده و درقبال شرایط جدید بنگاههای اقتصادی در رشته‌های مختلف صنعتی، نیاز به استراتژیهای یکپارچه جهانی از بعد مدیریت تحقیق و توسعه، تولید، فروش و مالی داشته باشند. شرکتهایی که قادر باشند از منابع خود به خوبی استفاده کرده و دارایی‌های ملی، تکنولوژیکی و مدیریتی خود را برپایه جهانی اداره کنند می‌توانند در رقابت فعلی به خوبی حضور داشته باشند.

در همین راستا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ابزار مهمی برای بنگاهها است که به مزیت رقابتی در سطح بین‌المللی دست پیدا کنند. در نهایت، رقابت‌پذیری از طریق بین‌المللی شدن فعالیتها موجب دستیابی به سود بیشتر و نرخ بازگشت بالاتر از دارایی‌ها خواهد شد. درمقابل چالش مربوط به رقبای داخلی و تازه واردین خارجی، بنگاهها باید سهم بازار داخلی خود را حفظ کنند و همزمان تلاش نمایند بازارهای جدیدی در سایر کشورها به دست آورند تا بتوانند به حیات خود ادامه دهند و سود خود را بیشینه نمایند. بنابراین سهم بازار می‌تواند پایه سودمندی برای رقابت‌پذیری شرکتها تلقی شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد سرمایه‌گذاریهای مستقیم جهانی بیانگر تمایل شرکتهای چندملیتی به توسعه و تعمیق بازارهای موجود، دستیابی به بازارهای جدید، نفوذ و کنترل در خارج و جلوگیری از حضور رقباست. استراتژی‌های موفق سرمایه‌گذاری جهانی عموماً بیانگر مزیت رقابتی شرکتها چندملیتی است. ویژگی بنگاهها از قبیل اقتصاد مقیاس، تکنولوژی برتر، راندمان بالاتر، طراحی محصول و ابزارهای قوی‌تر بازاریابی، نقش مؤثری در جریان این سرمایه‌گذاری‌ها ایفا می‌کند.

استفاده گسترده از فناوری اطلاعات نیز نیروی محرکه دیگری برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است زیرا این فناوری موجب می‌گردد شرکتها چندملیتی موفق به یکپارچه‌سازی واقعی تولید جهانی و فعالیتها سرمایه‌گذاری خود شده و در رقابت جهانی پیشرو باشند.

در مجموع، این شواهد بیانگر این واقعیت است که بنگاههای اقتصادی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای رقابت‌پذیری جهانی و به منظور در اختیار گرفتن بازارهای کشور میزبان استفاده می‌کنند. به این دلیل است که نقش اندازه بازار کشور میزبان و میزان رشد آن در آینده به عنوان عامل مرکزی در فرآیند تصمیم‌گیری جهت انتخاب محل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش ایفا می‌کنند. [۲]

۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۰	
	۲۰۳/۲	۱۷۶/۴	کشورهای صنعتی
	۱۳۰/۷	۱۱۲/۱	گروه ۷
۱۰۹/۵	۹۵/۵	۲۴/۵	همه کشورهای در حال توسعه
۲/۶	۲/۲	۰/۹	آفریقای مرکزی و جنوبی
۶۱/۱	۵۱/۸	۱۰/۲	آسیای شرقی و اقیانوسیه
۲/۶	۱/۸	۰/۵	آسیای جنوبی
۱۵/۰	۱۷/۲	۲/۱	اروپا و آسیای مرکزی
۲۵/۹	۲۲/۹	۸/۱	آمریکای لاتین
۲/۲	۰/۳	۲/۸	خاورمیانه و شمال آفریقا
۴۹/۵	۴۱/۸	۴/۵	کشورهای کم درآمد
۷/۲	۵/۸	۱/۰	کشورهای کم درآمد به استثنای چین
۶۰	۵۳/۹	۲۰/۰	کشورهای با درآمد متوسط

خالص جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی، ۱۹۹۰-۱۹۹۶ (میلیارد دلار). [۲]

#### ب- بررسی نحوه عمل شرکتهای چندملیتی

در مورد شرکتهای چندملیتی تعاریف گوناگونی ارائه شده است. تعریف معمولی شرکت چندملیتی که مورد قبول کارشناسان سازمان ملل متحد نیز واقع گردیده، چنین است: "شرکت چندملیتی شرکتی است که بمنظور گسترش فعالیت خود در سراسر جهان و سرمایه گذاری در قطبهای صنعتی کشورهای رو به رشد و استفاده از امکانات این قبیل کشورها، در کشورهای مختلف و متعدد اقدام به تأسیس یک شرکت فرعی (یعنی شرکتی که قسمت اعظم سهامش متعلق به شرکت اصلی است) می نماید. بنابراین، در شرکتهای چندملیتی با یک شرکت مادر (شرکت اصلی) که تابعیت کشور محل ثبت خود را داراست و چندین شرکت فرعی که این شرکتهای فرعی نیز هر کدام تابعیت کشور محل ثبت خود را خواهند داشت، مواجه هستیم. شرکت اصلی به لحاظ مشکلات و دلایل اقتصادی و حقوقی و مالیاتی بجای افتتاح شعب مختلف در سراسر جهان اقدام به تشکیل شرکتهای فرعی می نماید. هریک از شرکتهای فرعی در واقع فقط یک تابعیت دارند (محل ثبت)، ولی به لحاظ اینکه شرکت اصلی دارنده سهام شرکتهای فرعی محسوب می گردد، مجموعه این سازمان حقوقی (شرکتهای گوناگون) چندملیتی محسوب می شود. به عبارت دیگر، شرکتهای چند ملیتی به لحاظ داشتن شرکتهای فرعی در کشورهای مختلف و یا به لحاظ تابعیت های گوناگون سهامداران و اعضای هیئت مدیره خود چندملیتی تلقی می شوند. این شرکتهای از یک طرف، مجری نظریات اقتصادی و مدیریت متمرکز شرکت اصلی می باشند و از طرف دیگر، دارای تابعیت کشور محل ثبت خود خواهند بود." [۱]

بنابراین برخلاف اسم این شرکتهای که در ذهن سهامداران چند ملیت در مالکیت آن را تداعی می کند، فقط فعالیت این شرکتهای در کشورهای متفاوت انجام می گیرد و از این طریق با استفاده از قوانین خاص هر کشور، منابع و امکانات موجود در کشورهای مختلف و با اجرای تاکتیکهای خاص، سیاستهای برون مرزی خویش را به اجرا درمی آورند.

## ب-۱- پیامدهای مثبت فعالیت شرکت‌های چندملیتی بر کشورهای دیگر

امروزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از مکانیسم‌های اصلی توسعه جهانی شرکت‌های چندملیتی است و از این طریق شرکت‌های سودهای هنگفتی به دست می‌آورند. دستمزد پایین در کشورهای توسعه‌نیافته و در کنار آن امکانات و منابع طبیعی فراوان و سهل‌الوصول بودن در آن کشورها، موجب گسیل سرمایه‌های خارجی از طریق این شرکت‌ها به کشورهای توسعه‌نیافته شده است. سرمایه‌گذاری این شرکت‌ها در خارج، از ۱۵۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۱ به ۴۵۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ رسید. امروزه بخش عظیمی از تولیدات اقتصادهای مبتنی بر بازار، متعلق به شرکت‌های چندملیتی است. [۲]

همچنین این شرکت‌ها که خود به مثابه بنگاه‌های معظم اقتصادی و صنعتی در جهان شناخته می‌شوند، بدنال نوآوری تکنولوژیک بوده و سعی دارند تا با اعمال تغییرات تدریجی و ریشه‌ای در تکنولوژیهای کالا و فرآیند، اینگونه نوآوریها را به کالاهای تجاری تبدیل کرده و از صرفه‌های اقتصادی حاصله منتفع گردند. این شرکت‌ها بخش قابل توجهی از تجارت جهانی را در اختیار داشته و برای تثبیت یا افزایش سهم خود در بازارهای بین‌المللی ناگزیر از تکیه بر فعالیتهای نوآوری کالا و همچنین فرآیند تولید این کالاها هستند. طبق گزارش "کمیسیون شرکت‌های چندملیتی سازمان ملل"، سی و هفت هزار شرکت چندملیتی، بیش از ۷۵ درصد تجارت دنیا را کنترل می‌کنند. اهمیت توجه به تکنولوژیهای پیشرفته و نوآوری برای مجموعه این شرکت‌ها از آنجا روشن می‌شود که نگاهی به افزایش چشمگیر سهم کالاهای متکی به تکنولوژی بالا و متوسط نشان می‌دهد، طی دو دهه ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۶ سهم اینگونه کالاها از ۳۳ درصد تجارت جهانی به بیش از ۵۴ درصد افزایش داشته است. طی همین مدت سهم کالاهای مبتنی بر صنایع تبدیلی و مواد اولیه از ۴۵ درصد به ۲۴ درصد تجارت جهانی کاهش یافته است. این یک تجدید ساختار عظیم در تجارت جهانی بوده و گرایشاتی را مشخص می‌کند که در صورت عدم توجه به آنها، کشورها مسلماً با شرایط اقتصادی نامناسبی روبرو می‌شوند.<sup>۱</sup> پس صنایع مبتنی بر تکنولوژیهای بالا و متوسط در تجارت جهانی و نقش آنها در متحول کردن ساختار صادراتی کشورها از جایگاه خاصی در بهبود توان رقابتی بنگاهها و کشورها در اقتصاد جهانی برخوردار است. این صنایع در عین حال وابسته به سطوح بالایی از R&D برای ایجاد نوآوری در کالا و فرآیند می‌باشند. [۳]

از سوی دیگر شرکت‌های چندملیتی می‌توانند موجب ارتقاء سرمایه‌های انسانی در کشور میزبان از طریق به کارگیری نیروهای محلی (چه در سطوح فنی و یا در سطوح مدیریتی) و آموزش آنان شوند. حتی نمایندگی‌های محلی شرکت‌های چندملیتی نیز در فعالیتهایی درگیر هستند که موجب انتقال فناوری به ویژه از طریق تأمین کنندگان محلی، توزیع کنندگان و سایر شرکای تجاری خود می‌شوند. خروج سرمایه به خارج و احداث واحدهای تولیدی و خدماتی توسط شرکت‌های چندملیتی آمریکایی در سایر کشورها موجب ایجاد مشاغل جدید در آمریکا که عمدتاً مشاغل پیچیده مرتبط با فناوریهای پیشرفته جدید است، شده است. موضوع قابل توجه دیگر اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ارتقاء صنایع داخلی کشور میزبان است. ادعا شده است که اگر بنگاههای اقتصادی به سادگی تولیدات کارگر بر و با سطح فناوری پایین خود را به سایر کشورها انتقال دهند حرکت آنها در نردبان ترقی تکنولوژیکی ممکن است با تأخیر روبه رو شود. آنچه که در عمل اتفاق افتاده مغایر این موضوع است. برای مثال هنگ کنگ امروزه خود را به صورت یکی از مراکز پیشرو جهانی از بعد مالی، تجاری و خدماتی در آورده است. کره، سنگاپور و تایوان هم جایگاه مهمی در میان تولیدکنندگان شناخته‌شده جهانی در زمینه تولیدات سرمایه‌بر و فناوری‌بر به خود اختصاص داده‌اند و تولیدات و فروش آنها بسیاری از قسمتهای جهان را در بر گرفته است.

بررسی اشکال و روشهای فعالیت شرکت‌های چندملیتی در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که شرکت‌های چندملیتی کوشش می‌کنند که این کشورها را در حوزه نفوذ خویش نگه دارند و مانع غلبه آنها بر عقب‌ماندگی علمی، اقتصادی و تکنولوژیکی شوند. بسیاری از شرکت‌ها به جای انتقال ارز به کشور میزبان، اقدام به وارد کردن ماشین‌الات و سایر لوازم ضروری

۱. محصولات تکنولوژی بالا و متوسط آن دسته از محصولات هستند که احتیاج به سطوح بالای هزینه‌های R&D دارند.

می‌کند. شرکتهای چندملیتی بخش اعظم فعالیتهای خود را از طریق مبادله بین شرکتهای و شعب وابسته به خود در کشورهای مختلف توسعه‌نیافته انجام می‌دهند. این شرکتهای تحت سیاست و استراتژی کلی شرکت مادر، به قیمت‌گذاری کالاها و خدمات خود اقدام می‌کنند یکی از دلایل قیمت‌گذاری انتقالی، فرار از پرداخت مالیات است. با این نوع قیمت‌گذاری، شرکتهای چندملیتی به راحتی می‌توانند رقبای خود را از میدان به در کنند.

بنگاههایی که اقدام به انجام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌کنند معمولاً "قبلاً" در کشور میزبان دارای نمایندگی بوده‌اند و با بازارهای محلی آشنایی داشته‌اند. در عمده موارد هدف اولیه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اختیار گرفتن بازارهای محلی در درجه اول و صادرات در درجه دوم اهمیت است.

## ب-۲- پیامدهای منفی فعالیت شرکتهای چند ملیتی بر کشورهای دیگر

با توجه به قدرت انحصاری شرکتهای چندملیتی در بازارهای جهان، بسیاری از بازارهای صادراتی در انحصار شرکتهای چندملیتی است، شرکتهای تابعه نیز باید محصولات خود را از طریق شبکه شرکت مادر و تحت کنترل آن بفروش برسانند و این خود، شرکتهای تابعه را ملزم به پیروی از طرحها و برنامه‌های شرکت چندملیتی مادر می‌کند. موثرترین روشی که شرکتهای چندملیتی برای محدود کردن فعالیتهای کشورهای توسعه‌نیافته به کار می‌برند، استفاده از حق امتیاز یا لیسانس است که مشکلات فراوانی برای تجارت و پیشرفت توسعه کشورهای توسعه‌نیافته فراهم می‌آورند.

جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مهمی بر کشور میزبان و کشور مادر دارد. از دیدگاه سنتی همواره این نگرانی در کشورهای میزبان وجود دارد که چگونه با اثر منفی نقش شرکتهای چندملیتی برخورد کنند. منظور از این اثر، قدرت این شرکتهای در استفاده از منابع محلی و حصول سودهای انحصاری است. امروزه با وجود رقابت‌های مهم محلی و بین‌المللی این نگرانی تا حدودی کمرنگتر شده است. از سوی دیگر ظرفیت قانون‌گذاری دولتها در کشورهای در حال توسعه نیز در حال افزایش است. تصمیم‌گیری در مورد شرکتهای چندملیتی و معامله با آنها از پیچیده‌ترین تصمیمات اقتصادی است و بیشتر کشورهای توسعه‌نیافته با آن روبرو هستند. سلاح قوی چندملیتهای سرمایه، فناوری و مهارت مدیریت آنهاست. این شرکتهای اشتیاق زیادی برای تأسیس واحدهای تولیدی با مالکیت کامل از خود نشان می‌دهند. تسلط این شرکتهای به فعالیتهای کلیدی و حیاتی در کشورهای توسعه‌نیافته به آنها قدرت ویژه‌ای بخشیده است که در هر زمانی از این قدرت به صورت اهرمی برای هدفهای خاص خود استفاده می‌کنند. بررسی روشهای فعالیت شرکتهای چندملیتی در کشورهای توسعه‌نیافته نشان می‌دهد که این شرکتهای تمامی مساعی خود را بکار می‌گیرند تا کشور میزبان را در حوزه نفوذ خود نگه دارند و مانع غلبه آنها بر عقب‌ماندگی علمی، اقتصادی و تکنولوژیکی شوند.

در خصوص انتقال فناوری هم این شرکتهای در واقع به نفع کشورهای توسعه‌نیافته عمل نمی‌کنند. انتقال فناوری، معمولاً در چارچوب و محدوده فعالیت شرکت مادر و شرکت تابعه در کشور توسعه‌نیافته باقی می‌ماند و به ندرت در کل اقتصاد گسترش می‌یابد. امر "تحقیق و توسعه" نیز در انحصار شرکتهای مادر است و این شرکتهای مانع از آن می‌شوند که شرکتهای تابعه آنها در کشورهای توسعه‌نیافته به امر "تحقیق و توسعه" پرداخته و در این زمینه فعال باشند. طبق برآوردهای به عمل آمده با اینکه شرکتهای تابعه شرکتهای چند ملیتی، یک سوم داراییها و تولید و فروش آنها را در اختیار دارند، تنها حدود ۵ درصد از فعالیتهای تحقیق و توسعه را انجام می‌دهند و بقیه تحقیقات در مراکز اصلی صورت می‌گیرد.

آنچه که تشکیل روزافزون چندملیتی را تشویق می‌کند، مقررات ضد تراستی و مالیاتی کشورهای چینی، آمریکا و آلمان است که بزرگترین صادرکنندگان سرمایه محسوب می‌گردند. زیرا مقررات ضد تراستی مانع از ادغام و همکاری شرکتهای مختلف با فعالیت یکسان می‌شوند و در نتیجه، این قبیل شرکتهای نیز بجای ایجاد انحصارات داخلی، به همکاری بین‌المللی می‌پردازند و در

کشورهای دیگر که مقررات ضد تراستی وجود ندارد، اقدام به همکاری با شرکتهایی با فعالیت مشابه می‌نمایند. وضع چنین مقرراتی در کشورهای دیگر همچون کشورهای جهان سوم مانع از سود فراوان برای کشور بوده، و اصولاً سرمایه‌گذاران را از اقدام به سرمایه‌گذاری در این کشورها، مأیوس می‌نماید. لذا کشوری براحتی می‌تواند قوانین ضد تراستی وضع نماید که از دوره جهش اقتصادی گذشته باشد.

### ج- ضرورت همکاری با کشورهای دیگر در عرصه کنونی

همانگونه که ذکر شد، به جهت بنیه بسیار قوی شرکتهای چند ملیتی در عرصه فناوری و دستیابی به بازارهای جهانی، کشورهای در حال توسعه باید به همکاری بین‌المللی به عنوان یک ابزار مناسب جهت حضور موثر در بازارهای جهانی و دستیابی به فناوریهای جدید بنگرند. همکاری بین‌المللی در پیشرفت جهانی علوم و تکنولوژی، سهم قابل ملاحظه‌ای دارد. این همکاریها هزینه تحقیقات را کاهش می‌دهد، به پیشبرد نتایج تحقیقات کمک می‌کند و ارتباط بین کشورها را گسترش می‌دهد. با گسترش روند جهان‌گرایی، که به عرصه تولید و بهره‌برداری از فناوری نیز سرایت کرده است، در آینده شاهد یک دگرگونی اساسی در نسبت تحقیقات به انتقال فناوری در سطح ملی خواهیم بود. به عبارت دیگر، تولید و تأمین فناوری از طریق همکاریهای بین‌المللی، روز به روز اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد. برجسته‌شدن نقش همکاریهای بین‌المللی در تولید فناوری، دقیقاً بدین معناست که دانشگاهها و مؤسسات تحقیقات ملی و شرکتهای و موسسات فناوری کشورها می‌توانند و ضرورت دارد که به یکی از بازیگران اصلی در عرصه همکاریهای بین‌المللی تبدیل در هر کشور گردند. حضور این نهادها نه تنها روند همکاریها را تسهیل می‌کند، بلکه مخارج توسعه فناوری را نیز به گونه چشمگیری کاهش می‌دهد.

توسعه علم و فناوری پیشرفته با "همکاری" عجین است. همکاری راهها را کوتاه می‌کند، هزینه‌ها را کاهش می‌دهد، یادگیری متقابل را تقویت می‌کند، به کارها سرعت می‌بخشد و جلوی نابود شدن فرصتها را می‌گیرد. هرگاه توجه داشته باشیم که "هزینه توسعه فناوریهای پیشرفته هر هفت سال و سه ماه یکبار دو برابر می‌شود" و این افزایش هزینه به قدری کمرشکن است که حتی کشورهای ثروتمندی مثل انگلیس و فرانسه و مانند اینها مجبور شده‌اند پاره‌ای از پروژه‌های تحقیقاتی ملی خود را متوقف نمایند، بیش از پیش به اهمیت همکاری در توسعه فناوری واقف می‌شویم. همکاری نیز امری دو سویه است، همکاری بین‌المللی و همکاری در سطح ملی. همکاری بین‌المللی باعث می‌شود تا کشورها به عضویت شبکه‌های جهانی توسعه فناوری پیشرفته درآیند و از مزایای آن به سود مصالح ملی استفاده کنند. [۴]

### د- نحوه برخورد کشورها با جریان سرمایه‌گذاری خارجی توسط شرکتهای چند ملیتی

با توجه به مطالب فوق‌الذکر، کشورهای رو به رشد جهت حضور در بازارها جهانی، و بمنظور حفظ منافع خود در مقابل نفوذ غیرمستقیم شرکتهای چند ملیتی بتدریج مقررات خود را در مورد سرمایه‌گذاریهای خارجی تغییر داده‌اند و در بعضی کشورها موجباتی فراهم گردیده است که از میزان دخالت شرکتهای چند ملیتی در اقتصاد داخلی کشورها تا حد امکان کاسته شود و مکانیزم‌هایی را برای کار با این شرکتهای تعبیه نموده‌اند.

ساده‌ترین این موجبات محدود کردن درصد و نوع سرمایه‌گذاری خارجی در واحدهای صنعتی و تولیدی و همچنین موسسات مالی کشورهای سرمایه‌پذیر است. از آنجا که در شرکتهای سهامی دارندگان اکثریت سهام شرکت، زمام امور و مدیریت موسسه را به عهده دارند، لذا بمنظور جلوگیری از تمرکز مدیریت در یک شرکت چند ملیتی می‌توان واحدهای صنعتی و موسسات مالی را ملزم ساخت که اکثریت سهام خود را در اختیار سرمایه‌گذاران داخلی قرار دهند.

همچنین کشورهایی که تمایل به جذب سرمایه‌گذاری خارجی دارند برای سرمایه‌گذاران اولویت‌های خاصی پیش‌بینی می‌کنند. از جمله این اولویت‌ها می‌توان از معافیت‌های مالیاتی، یارانه و پشتیبانی اعتباری نام برد. این قبیل اولویت‌ها می‌تواند موجب افزایش نرخ بازگشت سرمایه بعد از کسر مالیات گردیده و سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در یک کشور خاص تحریک نماید. موانع تعرفه‌ای و سایر سیاست‌های مرتبط با جایگزینی واردات (از قبیل مالیات و یارانه) می‌توانند به عنوان انگیزه‌ای برای شرکت‌های چندملیتی باشند که امکانات تولیدی خود را در کشورهای خارجی مستقر نمایند و از صادرات مستقیم به این قبیل کشورها خودداری نمایند. این قبیل روش‌ها که نوعی عبور از موانع تعرفه‌ای همچنان به عنوان یک حرکت ایده‌آل باقی مانده و تحقق نیافته است.

## د - ۱ - دو تجربه موفق در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی

شرکت‌های بزرگ فناوریهای برتر، مراکز تحقیق و توسعه خود را بر اساس نیازهای بازار جهانی در سایر کشورها تاسیس می‌کنند. اتحاد تکنولوژیکی با شرکاء خارجی به منظور ارتقاء سطح تکنولوژی یکی از راه‌های مناسب همکاری با شرکت‌های چند ملیتی است. جهت روشن‌تر شده موضوع به دو مثال در زیر آورده شده است.

### نمونه اول: شرکت سهامی توسعه نئو تک در تایوان

همانطور که ذکر شد در بعضی از کشورها، انتقال تکنولوژی و حضور در بازارهای جهانی از طریق سرمایه‌گذاریهای خارجی و به ویژه شرکت‌های چند ملیتی انجام می‌گیرد. در بین این کشورها، تایوان به انتقال تکنولوژی از طریق اجرای پروژه‌های مشترک با خارجی‌ها یا مشارکت در تکنولوژی تمایل بیشتری داشته است.

یکی از کلیدی‌ترین روشهایی که امکان دسترسی به تکنولوژیهای جدید را برای بنگاههای تایوانی فراهم آورده است، ایجاد سرمایه‌گذاریهای مشترک با سرمایه‌گذاران خارجی است. بنگاههای خارجی که از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم و یا سرمایه‌گذاری مشترک در تایوان سرمایه‌گذاری می‌کنند، تکنولوژی‌های جدید را نیز منتقل می‌کنند. در این همکاری، تایوان می‌تواند نیروی کار ارزان و با قابلیت خود را که در عین حال کم تجربه می‌باشند به شریک خارجی ارائه کرده و در مقابل از تجربیات زیاد آنها در تحقیق و توسعه استفاده کند. در این روش هر دو گروه از ایجاد چنین اتحادی منفعت می‌کنند.

تاسیس شرکت سهامی توسعه نئو تک را می‌توان نمونه‌ای از این استراتژی دانست. این شرکت در سال ۱۹۸۳ با حمایت دو شرکت بزرگ کامپیوتری IBM و III تاسیس شد. آنها موافقت کردند که شرکت توسعه نئو تک برای IBM نرم افزارهای انحصاری فراهم کرده و خدمات طراحی را انجام دهد. همچنین IBM تمام مخارج حقوق و دستمزد و مخارج تحقیق و توسعه این شرکت را بپردازد.

طی این همکاری، IBM کارمندان محقق شرکت توسعه نئو تک را به منظور کسب تخصص‌های مورد نیاز به شرکت‌های IBM در سرتاسر جهان می‌فرستد. هم‌زمان IBM مهندسين خود را به شرکت نئو تک می‌فرستد تا فعالیتهای تحقیقاتی را هدایت کند. در این ارتباط متقابل، شرکت IBM توانست پروژه‌های مختلفی را انجام دهد و در عین حال مهندسين شرکت نئو تک علاوه بر دستیابی به امکانات سخت افزاری، توانستند معلومات خود را در مورد روند تحقیق و توسعه افزایش دهند. موفقیت این اتحاد موجب تشکیل شرکت‌های دیگری مانند شرکت سیستم جامع بین‌المللی (INTERNATIONAL INTEGRATED SYSTEM INC.) شد که در این شرکت جدید نیز IBM و III با یکدیگر همکاری موفقتری را سازمان دادند. پس از مدتی به توصیه IBM دو شرکت فوق‌الذکر تلفیق شدند و شرکت توسعه سیستم‌های جامع را تشکیل دادند که در این شرکت، IBM ۳۵٪ سهام، III ۴۵٪ و ۲۰٪ مابقی را کارمندان شرکت در اختیار دارند. این شرکت تلفیقی، به فعالیت‌هایی ادامه داد که قبلاً دو شرکت مذکور در آن فعالیت داشتند. [۳]

## نمونه دوم: شعبه شرکت Ericsson در شهر Twente هلند

شرکت Ericsson با فروش حدود ۲۱/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸، سهم بالایی از بازار جهانی شبکه‌های مخابراتی را در اختیار دارد. این شرکت دارای ۱۰۳۶۶۷ کارمند در ۱۴۰ کشور مختلف می‌باشد. تعداد کارکنان تحقیق و توسعه (R&D) این شرکت حدود ۲۲/۰۰۰ نفر در ۲۵ کشور مختلف بوده و میزان سرمایه‌گذاری شرکت در این حوزه برای سال ۱۹۹۸ حدود ۲/۹۶ میلیارد دلار بوده است.

این شرکت در هلند دارای پنج شعبه ذیل است:

1. Ericsson Business Consulting Netherlands B.V, Rijen
2. Ericsson Telecommunicate B.V, Rijen
3. Ericsson Business Mobile Networks B.V, Amsterdam and Enschede
4. Ericsson Radio System B.V, Emmen
5. Ericsson Holding International B.V, Rijen

تعداد کارکنان شرکت در هلند بالغ بر ۲۵۰۰ نفر است و در سال ۱۹۹۸ گردش مالی بالغ بر ۸۰۰ میلیون دلار داشته است. فعالیتهای اصلی شعبات هلند شامل نمایندگی فروش محصولات، خدمات پشتیبانی مشتریان در داخل و خارج از هلند، ارائه خدمات مشاوره‌ای در زمینه فعالیت شرکت و بالاخره تحقیق و توسعه است. تعداد کارکنان تحقیق و توسعه شعبه Twente بالغ بر ۴۰۰ نفر است.

آنچه در این خصوص بیش از همه مورد نظر است، الگوی جالب دولت هلند در دعوت به همکاری شرکت Ericsson است که شرکت را وادار نموده است دایره فعالیت خود را صرفاً به نمایندگی فروش محدود نکند و بیش از ۲۵۰۰ شغل تولیدی در هلند ایجاد نماید. شرکت Ericsson به علت دارا بودن شعبه در هلند با عوارض و مشکلات گمرکی و بازرگانی کمتری مواجه است. در عوض شرکت‌های بزرگ دیگر به دلیل دارا نبودن شعبه در هلند باید عوارض گمرکی بیشتری پردازد و در ضمن پیچ و خمهای زیادی را برای ورود به این بازار طی نمایند. [۶]، [۷]

## هـ - نتیجه گیری:

هم اکنون ده‌ها شرکت بزرگ خارجی در جمهوری اسلامی ایران به فعالیت تجاری مشغول بوده و با عرضه محصولات خود درآمد کلانی بدست می‌آورند. این شرکت‌ها که تعداد آنها هر روز بیشتر می‌شود به دلیل معروفیت جهانی و عرضه محصولات مرغوب توانسته‌اند سهم بزرگی از بازار ایران را بدست آورند. این موفقیت بدون ایجاد و کمک نمایندگی‌های آنان به راحتی بدست نمی‌آمد. اکثر این نمایندگی‌ها شرکت‌های ایرانی هستند که برای بدست آوردن سود بیشتر تبدیل به عوامل فروش شرکت‌های خارجی شده‌اند. در حالیکه همانطور که در مثالهای بالا نیز ذکر شد در جهان امروزی، دولت‌ها به راحتی به شرکت‌های خارجی و دول دیگر اجازه فعالیت در بازار کشورشان را نمی‌دهند و سعی می‌کنند در ازای دادن امتیاز به آنان، امتیازات بیشتری را برای کشورشان کسب نمایند.

در ایران در واحدهای صنعتی و تولیدی حداکثر مشارکت خارجی بیش از ۴۹٪ سرمایه را نمی‌تواند دارا باشد. البته مقررات مربوطه به قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی و همچنین قانون گسترش مالکیت در واحدهای تولیدی، در مورد شرکت‌هایی که به امور خدماتی و بازرگانی اشتغال دارند، اجرا نمی‌شود و بنابراین در این شرکتها امکان تشکیل شرکت ایرانی با ۱۰۰٪ سرمایه خارجی وجود دارد. همچنین کشور ما هنوز به آن صورت با مشکل تهاجم شرکت‌های چندملیتی مواجه نگردیده است که اقدام به وضع مقررات ضدتراستی را ایجاب نماید.

از طرف دیگر لازم است همکاری بین‌المللی، به عنوان استراتژی آینده کشور که می‌تواند مزایای زیادی از قبیل انتقال و توسعه تکنولوژی، ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای نیروهای متخصص کشور و حضور در بازارهای جهانی را به همراه داشته باشد، مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به مطالب فوق‌الذکر لازم است قوانین سرمایه‌گذاری خارجی در کشور و آیین‌نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی، بنحوی تغییر و تنظیم گردد که بتوان به حقوق حقه کشور در تجارت جهانی و پیشبرد تکنولوژیکی کشور رسید.

#### مراجع:

۱. نصیری، مرتضی، "حقوق چند ملیتی"، نشر دانش امروز، تهران، ۱۳۷۰.
۲. فدریک ها، "سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی"، ترجمه نصیرزاده، غلامرضا، نشریه فراز.
۳. شرکت شهرکهای صنعتی ایران، "طرح بررسی ایجاد شهرکهای فناوری در کشور"، تهران ۱۳۷۸.
۴. ملکی‌فر، عقیل و طبائیان، سید کمال، "چارچوبی برای استراتژی ملی علوم و فناوری"، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ۱۳۷۹.
۵. غفرانی، محمد باقر، "درآمدی بر سیاست‌گذاری کلان علم و فناوری"، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ۱۳۷۸.
۶. [http://www.ericsson.se/annual\\_report/1998](http://www.ericsson.se/annual_report/1998)
۷. [http://www.ericsson.nl/asp\\_er/](http://www.ericsson.nl/asp_er/)
۸. <http://www.sipa.gov.tw>